

گزارش

گزارشی کوتاه از نشست سینمایی «چگونه فیلم بسازیم»

پروژه بعدی مکرى، پشت صحنه در قاب دوربين



شهرام مکرى، کارگردانى است تازه کار و با اخلاق

است که بعد از ساخت چند فيلم کوتاه و سپس ورود به قسمت سينماى بلند در حوزه هنر و تجربه آتاراش گويى است براى فيلمسازان جوان و علاقه‌مندان به اين نوع سينما.

اولين پروژه بلند او «اشکان» انگشتر متبرک و چند داستان ديگر» توليد سال ۸۶ است، اما شهرت او پس از ساختن فيلم «ماهى و گرپه» در سال ۹۲ شکل گرفت و جوايز متعددى را از آن خود کرد.

او همچنين در سال گذشته اثرى با نام «هجوم» را ارائه داد که اين بار هم مورد تحسين منتقدان قرار گرفت. شهرام مکرى در حال حاضر در صدد ساخت فيلم جديدهش است. او چند روز قبل در مورد فضاي فيلم جديدهش به «فرهنگنگان» گفت که منتظر اثرى متفاوتى از او باشند. پنجم اسفندماه نشستى با عنوان «چگونه فيلم بسازيم» با موضوع بررسى سينماى شهرام مکرى در تالار فردوسى مرکز سينماى جوان برگزار شد. در اين نشست احمد السّتى، استاد فيلمسازى هم حضور داشت. در ابتدائى اين نشست چهار فيلم کوتاه با عناوين «محدوده دايره»، «توفان سنجاقک»، «آندوسى» و «خام، پخته و سوخته» به نمايش در آمد. در اين نشست حضور فيلمسازان جوان و با انگيزه، حتى بيشتراز ظرفيت سالن به چشم مى خورد. سپس نوبت به صحبت‌هاى السّتى پيرامون شهرام مکرى رسيد که اشاره‌هاىي به گذشته‌اش با شهرام مکرى و فعاليت‌هاى او در دوران هنرجويى اش داشت. السّتى با پديد دانستن سبک فيلمسازى مکرى، او را نايفه‌اى از نسل متاخر سينماگران ايرانى دانست. در ادامه شهرام مکرى صحبت‌هاىي در مورد سير فيلمسازى اش کرد و در مورد اهميت ايده پردازى شخصى، راهکارهاىي مختصر براى تازه کارهاى اين صنعت ارائه داد و در اين باره موضع خود را عليه سينماى سرمايه دارى و ساختن فيلم براى فستيوال‌ها بيان کرد. مکرى با بيان اينکه از ابتدا دنبال جوايز جشنواره‌ها را يک طرف و سوددهى مالى فيلم‌هايش از طرف ديگر نبوده، اشاره کرد که تنها به خاطر دغدغه‌هاى شخصى اش وارد اين مسير شده است. او همچنين به نگرانى‌هاى شديدش براى آينده سينماى ايران اشاره کرد و هشدارهاىي در زمينه پيشرفت تکنولوژى بيش از حد در سينما و از بين رفتن ارزش‌هاى سينمايى و ماشينى شدن همى اى ايده‌ها و انتخاب‌ها داد.

در ادامه السّتى پرداختنى داشت نسبت به بررسى ايده هم زمانى در آثار مکرى و شيوه بيان و زاويه ديد او در فيلم‌هايش و فلسفه‌هاى زمان از ديده‌گاه استيون هاوکينگ که چگونه مى توان اين نظريه‌ها را در اين فيلم‌ها پيدا کرد. شهرام مکرى هم در پى تايد گفته السّتى از علاقه خودش به فيزيک گفت و اشاره داشت که در زمينه فيزيک تبجر زيادى دارد که اين پيش زمينه روى او تاثير داشته و به بررسى ايده‌هاى همزمانى و زمان به صورت دايره‌اى که در آن هيچ راه فرارى نيست کمک مى کند. شهرام مکرى همچنين از علاقه‌اش به آثار نقاشى موريس اشاره که توسط دوست نقاشش به او معرفى شده بوده و پس از بررسى آنها منجر به الهام گرفتن از آنها و اجرا در فيلم‌هايش پرداخت. همچنين در ادامه اشاره‌اى داشت به پروژه آينده‌اش که تا دو روز ديگر در دست تهيه کننده‌اش قرار مى گيرد.

شهرام مکرى در پاسخ به «فرهنگنگان» درخصوص پروژه بعدى اش، فقط اظهار داشت که قرار است شاهد اثرى متفاوت از او باشيم. ولى اما اين بار قرار است تصويرى از پشت صحنه اين فيلم هم ارائه شود به اين دليل که سوالات زيادى در مورد پشت صحنه‌ها در بين مخاطبان ايجاد شده و همچنين شهرام مکرى اشاره داشت که خودش هم از پشت صحنه فيلم‌هايش بيشتراز جلوى دوربين آنها لذت مى برد و قصد دارد در پروژه بعدى اش اين تصاوير را هم به مخاطبان نشان دهد.

شهرام مکرى همچنين از تاثير استادش، السّتى در نوع ديده‌گاه او به فيلمسازى اشاره کرد که در ابتدا از ديد نقد و نکات منفى به سمت فيلم‌ها مى رفته اما پس از راهنمايى‌هاى استادش نحوه ديد مثبت را نسبت به آثار پيدا کرده است. در بخش هاىي از اين نشست، شهرام مکرى از مراحل پيش ساخت فيلم «ماهى و گرپه» هم مطالبى را ارائه داد که در آن زمان مشکل اصلى پيدا کردن لوکيشن فيلم بوده و با توجه به حس طبيعت دوستى او، قصد نداشته با وارد کردن آسيب به طبيعت به لوکيشن خود دست پيدا کند. او در مورد انتخاب عواملش در فيلم‌ها اين موضوع را بيان کرد که اولويت او اخلاق و برخورد در پشت صحنه است، نه ميزان تخصص آنها در اجرا و نقش آفرينى در فيلم. مکرى همچنين در انتهاى صحبت‌هايش اشاره داشت به نحوه تاثير گيرى اش از نمونه‌هاى خارجى و اينکه تا جابى که قانون کپى رايث به او اجازه بدهد از نمونه‌هاى سينمايى ديگر در آثارش استفاده مى کند، در حالى که بر اين باور است که او اولين بار اين تکنیک را در ايران اجرا کرده است.

چارسو

چالش قيمت بليت براى فيلم‌هاى بالای ۱۲۰ دقيقه



در حالى که حداقل سه فيلم شاخص جشنواره فجر سى وهفتم، زمانى بالای ۱۲۰ دقيقه دارند، سينماداران اکران فيلم‌هاىي با اين زمان را مقرون به صرفه نمى دانند. بسيارى از سينماداران هم به دلایل اقتصادى واينکه ممکن است مخاطبان با چنين آثارى ارتباط برقرار نکنند و حوصله‌شان سر برود، تمايل چندانى به اکران فيلم‌هاىي با زمان طولانى ندارند. اين مساله حتى باعث افزايش قيمت بليت سينما خواهد شد. غلامرضا فرجى، سخنگوى شوراى صنفى نمايش در گفت وگوى مهر، درباره قيمت بليت فيلم‌هاىي با زمان بيش از ۱۲۰ دقيقه عنوان کرد: «باصدور پروانه نمايش اين فيلم‌ها، در کارگروه اکران درباره چگونگى اکران آنها تصميم گيرى مى شود زيرا اين موضوع مربوط به قرارداد و توافق سينمادار و تهيه کننده مى شود اما قطع به يقين به دليل بهاى لامپ‌ها در سينماها و تايم اين آثار، شاهد افزايش بهاى آنها خواهيم بود.» فرجى ادامه داد: «با اين وجود بايد ببينيم در آيين نامه به چه ميزان اجازه اين تصميم گيرى داده مى شود اما نکته‌اى که وجود دارد اين است که وقتى براى افزايش بهاى بليت‌ها تصميم گيرى مى شود هميشه سقفى در نظر گرفته مى شود و نمى شود از آن سقف فراتر رفت ولى براى فيلم‌هاىي با مدت زمان بالا بايد منتظر تصميم گيرى شورا ماند.»

داستانى از موراکامى که در سينما درخشايد



«لى چانگ دونگ» فيلمساز کره‌اى فيلم «سوختن» را براساس داستان کوتاه «سوزاندن انبار» نوشته «هاروکی موراکامى» ساخته است؛ فيلمى که در جشنواره کن سال گذشته رونمايى و با تحسین گسترده منتقدان سينمايى روبه‌رو شد. فيلم «سوختن»، امسال به‌عنوان نماينده سينماى کره جنوبى در جوايز اسکار معرفى شده بود و توانست به‌عنوان اولين فيلم کره‌اى به فهرست کوتاه اسکار خارجى راه يابد. «لى چانگ دونگ»، کارگردان کره‌اى که اين فيلم را براساس داستان کوتاه «سوزاندن انبار» نوشته «هاروکی موراکامى» نويسنده مطرح ژاپنى نوشته، گفت: «داستان موراکامى به خوبى نشان دهنده احساسات و خشم جوانان کره‌اى است و از همين رويه پيشنهاد ساخت فيلمى براساس آن پاسخ مثبت دادم.» او همچنين با اشاره به شرايط کشور کره جنوبى که همچون ژاين شاهد افزايش فاصله طبقاتى است، توضيح داد: «اين روزها جوانان به اجبار وارد رقابت با يکديگر مى شوند و از اينکه هيچ انتخابى به جز دويدن ندارند وحشت زده‌اند. آنها از جامعه‌اى عميىانى هستند که معيار ارزش انسانى در آن مفيد بودن يا نبودن است. اين روزها همه از چيزى عصبانى هستند و هدف من کاوش در ریشه‌هاى اين احساس خشم است.»

ثانيه‌هاىي که به راحتی از انتشار آن غافليم

کوتاهى زمان پخش فيلم‌هاى ۱۰۰ ثانيه‌اى، ويژگى منحصره فردى است که مى توان به راحتی و در مقايسه با ساير جشنواره‌هاى ديگر از آن براى انتشار آثار برگزيده جشنواره در بستر اينترنت نهايت استفاده را برد اما مى بينيم که با توجه به درخواست‌هاى فيلمسازان، هنرمندان و همچنين تاکيد مديران حوزه هنرى مبنى بر استفاده حداکثرى از آن هنوز با خلل راه‌اندازى يک شبکه اجتماعى واحد که علاقه‌مندان اين فيلم‌ها بتوانند به فيلم‌هاى دوره‌هاى گذشته آن دسترسی داشته باشند، روبه‌رو است. به دنبال اين اهميت ويژه زمانى که در اکران و نمايش آثار در مکان‌هاى عمومى وجود دارد و حتى خارج از فضاي جشنواره‌اى هم مى توان از آنها در مترو و اماکن عمومى استفاده کرد به راستى بايد پرسيد که چقدر براى فراگير شدن آنها تلاش شده است؟ البته ناگفته نماند که در دوره‌هاى گذشته با پخش آثار از قاب تلوزيون و شبکه‌هاى تلوزيوني مترو روبه‌رو بوديم اما انگار که هر چه بر شمارگان اين جشنواره افزوده مى شود از شدت شور و هيجان انتشار و تبليغ آن در سطح شهر کاسته مى شود و گويایکى از رسالت‌هاى اين جشنواره که همان انتشار آن در ميان مردم است رويه فراموشى سپرده مى شود.

جشنواره‌اى بين المللى بدون هيات انتخاب

سوالى که پيش مى آيد اينکه جشنواره بين المللى فيلم ۱۰۰ ثانيه‌اى که براساس اعلام دبيرخانه آن با آثارى از ۱۱۹ کشور دنيا و حضور ۲۲۷۸ اثر خارجى در آن روبه‌رو شده است چرا هيچ خبرى از اعلام

هيات انتخاب آن در رسانه‌ها نيست، حتى در بخش داخلى هم خبرى از اعلام هيات انتخاب آن مشاهده نمى شود و مى بينيم که بر خلاف دوره‌هاى گذشته که اعضاى هيات انتخاب آن معرفى مى شد اما در اين دوره هيچ خبرى از معرفى آنها نيست. از طرفى ديگر طبق اعلام دبيرخانه جشنواره، مجموعاً ۹۴۳ نفر در بخش مسابقه داخلى اين جشنواره متقاضى حضور بودند که طبق آمار تفكيكى اعلام شده اين جشنواره ۴۱۶ نفر متقاضى حضور در بخش مسير تجربه و ۵۷۱ نفر در بخش مسابقه ملى بودند که با يک جمع ساده به عدد ۹۸۷ مى رسيم که با عدد اعلام شده توسط ستاد خبرى جشنواره، کاهشى ۴۴ نفرى دارد. اما نگارنده اين سطور تنها به اين مجموع بسنده نکرده و از آنجاى که هر کسى احتمال اشتباه در محاسبه برايش وجود دارد به آمار تفكيكى در سه بخش انيميشن، مستند و داستانى جشنواره نيز مراجعه کرد تا به آمارى موقوت تر برسد. به واقع با رصد مجموع نفرات شرکت کننده در اين سه بخش عدد ۱۰۴۷ پيش روى ما قرار مى گيرد که باز هم با اختلافى عجيب نسبت به دو عدد قبلى روبه‌رو هستيم و دقيقاً نمى دانيم چرا هيچ کس معترض به اين آمارسازى هانيسست که اين اعداد و ارقام از کجائى آيد؟! ابهام ديگر اين جشنواره بين المللى، انتشار آمار حضور آثار خارجى آن است که ۲۲۷۸ اثر و با حضور ۱۱۹ کشور اعلام شده است، که وقتى با آمار تفكيكى منتشر شده توسط روابط عمومى جشنواره از کشورهاى متقاضى، مقايسه مى کنيم با عدد ۲۷۹۱ روبه‌رو مى شويم که از هر جهت هم اگر اشتباه باشد هيچ وقت نمى توان با اختلاف عددى ۵۱۳ اثر روبه‌رو شد و بسيار دور از انتظار است و به واقع بايد ديد که دست اندر کاران اين جشنواره با چه روش محاسبه‌اى به اين مجموع عدد رسيدند!

سردرگمى فيلمسازان از تاريخ گنگ جشنواره

مسود ديگرى که بايد آن را به نوعى جزء بدقولى‌هاى شوراى سياستگذارى اين جشنواره در نظر گرفت اينکه در دوره قبلى جشنواره خبر از سالانه شدن آن مطرح شد به طورى که در اسفندماه ۹۵ طبق اعلام فاضل نظرى معاونت هنرى وقت حوزه هنرى و على قربانى رئيس جشنواره فيلم ۱۰۰ ثانيه‌اى، برگزارى جشنواره به صورت سالانه اعلام شد اين در حالى است که در سال قبل نه تنها اين جشنواره برگزار نشد بلکه جشنواره فيلم کوتاه دينى رويش که ديگر جشنواره فيلم اين نهاد انقلابى است نيز برگزار نشد. به واقع اين بى نظمى و نبود تاريخى مشخص در زمان برگزارى جشنواره، باعث شده تا اين سر درگمى را در ميان فيلمسازان ۱۰۰ ثانيه‌اى به وجود آورد که بالاخره زمانبندى جشنواره آيا سالانه است يا دوسالانه؟! از طرفى، حضور فيلم‌هاىي که برشى از فيلم‌هاى بلند و کوتاهى است که پيش تر خيلى از آنها در ساير جشنواره‌ها شرکت داشتند يا حتى حائز رتبه‌هاىي نيز شده‌اند، موضوع ديگرى است که طى دوره‌هاى اين جشنواره و در ايام برگزاری آن شاهدش بوديم. موضوعى که طبق فراخوان رسمى جشنواره، فرصت حضور براى اين گونه فيلم‌ها فراهم نيست و چنانچه شرکت کنند از مراحل داورى کنار گذاشته مى شوند. اما مى بينيم که بعضى از اين فيلم‌ها نه تنها در بخش مسابقه حضور دارند بلکه حتى جزء برگزيده‌هاى ادوار اين جشنواره نيز هستند. موضوعى که نشان مى دهد يا هيات انتخاب جشنواره نسبت به اين موضوع اشراق لازم را ندارد يا با ديده اغماض به آن نگاه مى کنند.

سينما توگراف



اين عکس ژژ ملى پس، شعيده باز و فيلمساز فرانسوى را چند ماه پيش از مرگ در مغازه اسباب بازى فروشى اش در ايستگاه راه‌آهن پاریس، در حال نقاشى يک ماه نشان مى دهد. شهرت ملى پس به سبب نوآورى هاشش هم در شيوه روايت فيلم و هم در تکنیک‌هاى نوين فيلمسازى در سال‌هاى اوليه ظهور سينماست. ملى پس نوآورى‌هاى فراوانى در استفاده از جلوه‌هاى ويژه داشت. دو فيلم بسيار مشهور او عبارتند از سفرى به ماه (۱۹۰۲) و سفر غيرممکن (۱۹۰۴). در هر دوى اين آثار داستان بر محور سفرهاى فضايى عجيب و سورئال شيبه به آثار ژول ورن مى گردد. همزمان با آغاز شدن جنگ جهانى فروش فيلم‌هاى ژژ ملىس رويه افول گذاشت و روزه‌روز او را ورشکسته‌تر و منزوى تر کرد. حتى پايان يافتن جنگ هم کمکى به او نکرد. ديگر سلبقه مردم از حالت لطيف به حالى خشن تغيير يافته بود و مردم ديگر به فيلم‌هاى فانتزى علاقه نشان نمى دادند و خواهان فيلم‌هاى جدى تر با محتواى جنگى بودند. براى همين ژژ ملىس ورشکسته شد و اسباب فيلمبردارى را در آتش سوزاند و فيلم‌هايش را به شرکتى فروخت. آن شرکت هم فيلم‌هايش را ذوب کرد تا با آن پاشنه کش بسازد. ژژ ملىس با پول حاصل از فروش فيلم‌ها مغازه‌اى را خريد و به وسيله آن امرار معاش کرد. او سرانجام در سال ۱۹۳۸ و در ۷۷ سالگى در شهر پاریس در گذشت. فيلم سينمايى «هوگو» اولين فيلم سه بعدى مارتين اسکورسيزى است که در سال ۲۰۱۱ با احترام به اين کارگردان فرانسوى ساخته شده است.

توليد يک سريال تاريخى ديگر با محمدرضا وروزى



محمدرضا وروزى بعد از «معمارى شاه»، «ايرانداخت» و «ستارخان» را جلوى دوربين برد. سريال‌هاى تلوزيوني وروزى با انتقادات بسيارى در فضاي رسانه هامواجه بوده است. او در حال نگارش سناريوى جديد يک سريال تاريخى است. اين کارگردان در اين باره به «تسنيم» گفت: «در حال نگارش سريال تاريخى هستم که با کارهاى ديگرم متفاوت است. زيرا «بيگ پروداکشن» يا همان اصطلاح تلوزيونيى الف ويژه نيست. کارى است که به لحاظ محتوايى، اهميت بالايى دارد و در قالب رمان نوشته مى شود.» وى با اشاره به اينکه در فضاي مجازى نوشته‌اند ارديبهشت ماه پيش توليد اين سريال آغاز مى شود، تصريح کرد: «آغاز پيش توليد در ارديبهشت ماه را تکذيب مى کنم، چون نگارش اين سريال تاريخى قدرى زمان بر و محتوايى تر است. جمعى از نويسندگان کارلبد مشغول نگارش هستند و بنده به عنوان سرپرست نويسندگان اين سريال حضور دارم. مقطع تاريخى اين سريال معاصر نيست و به حدود ۱۸۰ سال قبل بر مى گردد. اوایل دوره قاجارىه را روايت خواهد کرد و بيش از عجله براى توليد، تأمل براى محتوا داريم.»

کاغذ با دلار ۱۵ هزار تومانی هم وارد می‌شد، اینقدر گران نبود



هومان حسن پور، رئيس جديد اتحاديه ناشران و کتابفروشان تهران در پاسخ به سسوالى درخصوص افزايش چند برابرى نرخ کاغذ در طول سالال گفت: «مى خواهيم قيمت کاغذ را با اين بياوريم زيرا احساس مى کنم تفاوت قيمتى که بين کاغذ وارد شده و آنچه به ناشران عرضه مى شود، وجود دارد خيلى فاجعه بار است. کاغذ با نرخى وارد مى شود که سال گذشته وارد مى شد؛ با ارز ۴۲۰۰ تومان، نه با دلار ۱۵ و ۱۶ هزار تومانى. حتى اگر با دلار ۱۵ هزار تومانى هم وارد مى شد نبايد با اين قيمت به دست ناشر مى رسيد. اين چيزى است که ما سعى داريم با آن برخورد کنيم. با اين قضاياى برخورد‌هاى کليشه‌اى و شعارگونه مى شود، «او در بخش ديگرى از صحبت‌هايش گفت: «بايد مطمئن شويم کاغذى که به ناشر داده مى شود به صورت کتاب چاپ مى شود. توزيع متمرکزی که انجام مى شود خوب است اما آنچه در حوزه توزيع متمرکز انجام مى شود بسيار کم است؛ ۲۰۰ هزار تن کاغذ وارد کشور ما شده اما فقط ۱۵ هزار تن آن توزيع متمرکز شده است که مى توان از آن ردی گرفت. اگر اين مسائل حل شود، فاصله غيرمنطقى‌اى را که بين قيمت تمام شده کالا و رسيدن به دست مصرف کننده ايجاد شده است را از بين مى بريم.»